

تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه با تأکید بر ایران

خالد احمدزاده*

علی فقه مجیدی**

زهرا ضرونی***

چکیده

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، شکاف بین پس‌انداز ملی و نیازهای سرمایه‌گذاری موجب می‌شود که برای تحقق اهداف کلان اقتصادی به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روی آورند. این کشورها افزون بر مشکل کمبود سرمایه، با مقوله توزیع نابرابر درآمد نیز مواجه هستند. در این مقاله اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۴ با استفاده از روش پانل پویا بررسی شده است. همچنین، برای اقتصاد ایران، رابطه بلندمدت میان متغیرها برای دوره زمانی ۱۳۶۰-۱۳۹۴ با استفاده از روش ARDL بررسی شده است که نتایج آن یافته‌های روش داده‌های تابلویی را تأیید می‌کند. یافته‌ها بیانگر تأثیر مثبت و معنادار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر ضریب جینی است. به علاوه در مدل غیرخطی برای کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین، فرضیه کوزنتس تأیید شده ولی برای کشورهای در حال توسعه با درآمد پایین‌تر از میانگین محقق نشده است. متغیرهایی مانند مخارج دولتی و رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای با درآمد بالاتر از میانگین بر ضریب جینی تأثیر مثبت و معناداری داشته و نیز متغیرهای مالیات، اشتغال و باز بودن تجاری باعث بهبود توزیع درآمد شده‌اند. در این راستا توصیه‌های سیاستی نیز پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، توزیع درآمد، کشورهای در حال توسعه، داده‌های تابلویی، ضریب جینی.

طبقه‌بندی JEL: C8, O15, D31, C23

* استادیار گروه اقتصاد دانشگاه کردستان؛ رایانامه: Kh.Ahmadzadeh@uok.ac.ir
** استادیار گروه اقتصاد دانشگاه کردستان؛ رایانامه: a.f.majidi@gmail.com
*** کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه کردستان؛ رایانامه: zahrazarouni@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱۱ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۶/۱۳

۱. مقدمه

فقر به‌عنوان یکی از وجوه تشابه کشورهای در حال توسعه و معضلی است که بیشتر آنها در ادوار مختلف با آن روبرو بوده‌اند. همچنین فقر عامل بسیاری از معضلات دیگر نظیر افزایش مرگ و میر، کاهش زاد و ولد، ناامنی و فساد و... است. اندازه و وسعت فقر در هر کشور تابع دو عامل است: سطح متوسط درآمد ملی، درجه نابرابری در توزیع درآمد. در هر سطحی از درآمد ملی سرانه، هرچه توزیع درآمد ناعادلانه‌تر باشد میزان فقر بیشتر است (باسو و گورگلا،^۱ ۲۰۰۷، ص ۸۳۰). توزیع نابرابر درآمد سبب افزایش فاصله و شکاف طبقاتی، کاهش انگیزه برای کار، فقر گسترده، تنش‌ها و درگیری‌های سیاسی و فساد فراگیر می‌شود.

توزیع نابرابر درآمد از راه‌های مختلف تأثیر منفی بر رشد و توسعه اقتصادی دارد. در تمام کشورهای جهان درجاتی از نابرابری درآمدی وجود دارد و اختلاف بسیاری بین درآمد اقشار ثروتمند و اقشار فقیر در هر دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه یافت می‌شود. اما شکاف بین قشر فقیر و غنی در کشورهای کمتر توسعه یافته معمولاً از کشورهای توسعه یافته بیشتر است. از اینجاست که لزوم تحقیق و واکاوی عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی (که منجر به فقر می‌شود) آشکار می‌شود؛ زیرا با تحقیق و شناسایی عوامل مؤثر بر نابرابری و ایجاد یک سلسله از راهکارهای سیاستی و طرح ریزی شده برای کاهش نابرابری و عملیاتی کردن سیاست‌ها، باعث کاهش فقر می‌شود و بسیاری از معضلات جامعه را رفع می‌کند.

مروری اجمالی بر آیات و روایات اقتصادی به وضوح نشان می‌دهد که برقراری عدالت، رفع فقر و کاهش نابرابری در اجتماع از اهداف اسلام در حوزه مسائل اقتصادی است. اسلام معتقد است، آنچه دوام و بقای هر حکومتی به آن وابسته است ایجاد زمینه‌های بسط عدالت در جامعه است و از لوازم اصلی حرکت به سوی رشد و کمال از بین بردن فقر و تبعیض در جامعه و ایجاد وسعت در معیشت برای زندگی مردم است و برای عدالت در جامعه، رشد و توزیع عادلانه باید در کنار هم حرکت کنند. در نگرش اسلامی، عدالت توزیعی به‌عنوان هدفی والا برای فعالیت‌های انسان معرفی شده و آن را عاملی در جهت رشد و توسعه جوامع بشری معرفی کرده است. به همین دلیل این دیدگاه هدف قرار دادن رشد اقتصادی را به هر قیمتی محکوم و آن را به بیراهه رفتن می‌داند. در واقع یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی است (ابونوری و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵).

از طرفی یکی از عوامل اصلی مؤثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۲ است. ورود سرمایه‌گذاری خارجی بر توزیع درآمد کشورها تأثیر می‌گذارد به‌گونه‌ای که این تأثیرگذاری می‌تواند به‌صورت‌های مختلف بر بهبود توزیع درآمد و یا نامتعادل کردن آن ظاهر شود و به تبع آن روی رشد اقتصادی کشورها

1. Basu & Guariglia

2. Foreign Direct Investment (FDI)

هم مؤثر باشد. در کشورهایی که پس‌انداز ملی کمی دارند یکی از بهترین روش‌های تأمین مالی جهت سرمایه‌گذاری، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است که تأثیرات مثبت و منفی بر کشور میزبان دارد. کشورهایی که دارای سرمایه لازم نبوده‌اند از گام نهادن در جهت توسعه و پیشرفت اقتصادی عقب مانده‌اند که همین امر سبب رواج فقر و نابرابری، رکود اقتصادی و بیکاری شده است. تودارو^۱ بیان می‌کند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌طور معمول به‌عنوان راهی برای پر کردن شکاف‌های میان موجودی داخلی پس‌انداز، ارزش خارجی، درآمد دولت و مهارت‌ها، و سطح برنامه‌ریزی شده این منابع مورد نیاز برای نیل به هدف‌های توسعه است. بنابراین مهم‌ترین کمک سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به توسعه ملی پر کردن شکاف منابع میان سرمایه‌گذاری مورد نظر یا مطلوب و پس‌اندازهای تجهیز شده داخلی است. دومین کمک، پر کردن شکاف میان نیازهای ارزش خارجی مورد نظر و نیازهای حاصل از درآمدهای خالص ناشی از صادرات است. شکاف میان درآمدهای مالیاتی مورد نظر دولت و مالیات‌هایی که دولت می‌گیرد با سرمایه‌گذاری خارجی برطرف می‌شود (تودارو، ۱۳۸۳، ص ۱۴۴).

از آنجایی که در ادبیات اقتصاد بین‌الملل بسیاری معتقدند که عصر جهانی شدن، با یک نابرابری گسترده و فزاینده مشخص شده است که این، ادبیات اخیر را به سمت تمرکز بر آثار توزیعی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به جای تمرکز بر اثر آن بر رشد اقتصادی فراهم می‌کند. کشورهای در حال توسعه افزون بر مشکل کمبود سرمایه جهت ورود به مسیر توسعه، همواره از مشکل توزیع نابرابر درآمد و شکاف طبقاتی رنج می‌برند. وضعیت توزیع درآمد در هر جامعه‌ای علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، در ابعاد سیاسی و اجتماعی نیز اهمیت دارد.

هر رویکرد اقتصادی به توزیع درآمد ناگزیر پیامدهای اقتصادی و اجتماعی نیز به همراه دارد. ادبیات رشد و توسعه نیز بر این واقعیت متکی است که هر اقدام بلندمدت و پایدار در عرصه رشد اقتصادی منوط به لحاظ داشتن آثار و پیامدهای توزیعی سیاست‌ها، از جمله توزیع عادلانه درآمد در جامعه است. این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چه تأثیری بر توزیع دارد؟ آیا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نابرابری درآمد را افزایش یا آن را کاهش می‌دهد؟ در راستای این پرسش‌ها فرضیه تحقیق به این صورت مطرح می‌شود که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد. این پژوهش تاکنون در کشورهای در حال توسعه انجام نشده و دوره زمانی آن با مطالعات قبلی متفاوت است. متغیرها و نحوه ترکیب آنها نیز متفاوت است و همچنین برای بررسی دقیق‌تر توزیع درآمد بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشورهای در حال توسعه به دو گروه درآمدی تفکیک شده‌اند و در پایان برای کشور ایران هم این موضوع برآورد و ارزیابی شده است.

1. Todaro

۲. مبانی نظری

۲-۱. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دو شکل سرمایه‌گذاری پویا، ایجاد سرمایه‌های سازنده به وسیله بیگانگان؛ و خریداری، خریداری یک شرکت موجود صورت می‌گیرد. مصداق بارز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که شرکت‌های چند ملیتی معمولاً به همین صورت در کشور میزبان به فعالیت می‌پردازند، تأسیس شرکت‌های فرعی و شعبات مستقل در کشور میزبان است. بنابراین در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سرمایه‌گذار در پی دو هدف است: نخست، بهره‌مند شدن از تمامی امکانات موجود در کشور میزبان تحت لوای شرکت داخلی و دوم با انتقال سرمایه خود به کشور میزبان تمامی نظارت‌های لازم را اعم از کنترل مدیریتی، فنی، کیفی نسبت به آنچه که موضوع فعالیتش می‌باشد، اعمال کند (ذوالقدر، ۱۳۸۸، ص ۴۸).

سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی نیز بدین معناست که سرمایه‌گذار خارجی عنصر مدیریت یا کنترل بنگاه را در اختیار ندارد و به سرمایه‌گذاری صرف مثل خرید اوراق قرضه یا سهم می‌پردازد و هیچ‌گونه مسئولیت دیگری را نمی‌پذیرد و به عبارت دیگر سرمایه‌گذاری خارجیان از طریق اوراق قرضه یا سهام، بدون آنکه مدیران بر عملیات کنترلی داشته باشند، صورت می‌گیرد. بنابراین وجه تمایز این دو نوع سرمایه‌گذاری را می‌توان در این دو نکته خلاصه کرد:

الف) وصف کنترل و اداره: همان‌گونه که ذکر شد در سرمایه‌گذاری مستقیم خود شرکت چند ملیتی کنترل و اداره آن را بر عهده می‌گیرد و در نتیجه مسئولیت مالی و اداری بنگاه از جمله زیان‌های تحمیلی نیز بر عهده خود وی قرار دارد. اما در سرمایه‌گذاری غیرمستقیم، سرمایه‌گذار خارجی هیچ‌گونه کنترل و مدیریتی ندارد و فقط به‌عنوان سهامدار یا سرمایه‌گذار صرف شریک سود و زیان می‌شود و غیر از آن مسئولیتی ندارد و مسئولیت مالی مستقیم نیز متوجه وی نخواهد شد؛

ب) دارا بودن وصف فراری بودن سرمایه: مهم‌ترین ویژگی سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی دارا بودن وصف فراری است. این وصف بدین معناست که چون در این نوع سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار هیچ نوع مسئولیت مالی ندارد، در صورتی که اقتصاد کشور میزبان رو به وخامت گذارد و وارد دوره رکود اقتصادی شود و سطح بازدهی برگشت سرمایه و سود کاهش یابد، سرمایه‌گذار خارجی به احتمال فراوان سرمایه خود را از کشور میزبان به سرعت خارج خواهد کرد. این وصف با اصطلاح فراری بودن سرمایه یاد می‌شود که می‌تواند آثار زیان بار اقتصادی برای کشور میزبان داشته باشد و رکود اقتصادی کشور را تشدید کند. اما در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چون سرمایه‌گذار مدیریت و کنترل را در اختیار دارد و مسئولیت مستقیم مالی متوجه اوست در صورت بروز چنین وضعی به سادگی نمی‌تواند سرمایه خود را از کشور میزبان خارج کند.

به عبارت دیگر این نوع از سرمایه‌گذاری نه تنها از کشور خارج نمی‌شود؛ بلکه در صورت فعالیت مطلوب، آن کشور را در خروج از بحران و رکود یاری می‌کند. بنابراین ریسک سرمایه‌گذاری مستقیم برای سرمایه‌گذار خارجی نسبت به سرمایه‌گذاری غیرمستقیم بالاست که حالت عکس آن نسبت به کشور میزبان درست است. اما باید توجه داشت که با توجه به سود سرشار سرمایه‌گذاری مستقیم، حجم بالایی از جریان سرمایه‌گذاری مستقیم مربوط به شرکت‌های چند ملیتی است و این شرکت‌ها شعبه‌ها و واحدهای تحت پوشش خود را در کشور میزبان تأسیس می‌کنند (ذوالقدر، ۱۳۸۸، ص ۴۸).

۲-۲. توزیع درآمد

مسئله توزیع درآمد، دیرزمانی است که ذهن اندیشمندان را به خود معطوف داشته و جایگاه ویژه‌ای را در فرهنگ اقتصادی به خود اختصاص داده است؛ ولی این توجه، بیشتر معطوف به توزیع کارکردی درآمد و ارائه نظریه‌هایی درباره قیمت عوامل تولید و سهم آنها از درآمد ملی ایجادشده در جامعه، بوده است. با این حال، بررسی‌های تجربی و مطالعات مربوط به توزیع مقدراری درآمد، تاریخی بسیار کوتاه‌تر دارد. سابقه این مطالعات و بررسی‌ها، به کمتر از یک قرن پیش برمی‌گردد. مطالعات پارتو در این زمینه نقطه عطفی را تشکیل می‌دهد. تحقیقات مربوط به توزیع مقدراری درآمد که به چگونگی توزیع بین واحدهای دریافت‌کننده درآمد (فرد، خانوار ...) می‌پردازد، از آن زمان تاکنون به‌طور پیوسته در حال تحول بوده و به‌خصوص در چند دهه اخیر، جهش چشم‌گیری داشته است (ابوالفتحی قمی، ۱۳۷۱، ص ۲۳).

از دیدگاه اقتصاد اسلامی توزیع مناسب و عادلانه درآمد یکی از مصادیق عدالت اجتماعی است. به همین منظور ایجاد عدالت توزیعی در جامعه به‌عنوان یکی از راهکارهای مهم رسیدن به عدالت اجتماعی در این دیدگاه مدنظر قرار گرفته است. از دیدگاه اسلام توزیع عادلانه درآمد یکی از عوامل مهم و اساسی در رشد و توسعه اقتصادی جوامع به‌شمار می‌آید و در صورت عدم وجود آن دست یافتن به رشد دشوار است. لذا می‌توان دریافت که از این منظر عدالت توزیعی بر رشد اقتصادی مقدم است و به نوعی علت آن به‌شمار می‌آید.

در نگرش اسلامی، عدالت توزیعی به‌عنوان هدفی والا برای فعالیت‌های انسان معرفی و از آن به‌عنوان عاملی در جهت رشد و توسعه جوامع بشری نام برده شده است، به همین دلیل این دیدگاه فقط هدف قرار دادن رشد اقتصادی را به هر قیمت، محکوم و آن را به بیراهه رفتن می‌داند (ندری و قلیچ، ۱۳۸۸، ص ۱۶۸). اسلام با توجه به ابزار دانستن رشد اقتصادی در مسیر دست یافتن به عدالت توزیعی دو سناریوی اول یعنی رشد سرریز و رشد فقرزا را رد کرده و بر سناریوی سوم که رشد فقرزداست تأکید می‌کند. با توجه به این نوع نگرش، اسلام راهکارهایی را معرفی می‌کند که

در آن ضمن هدف قرار دادن توزیع عادلانه درآمد، رشد اقتصادی نیز به عنوان معلول آن به دست می آید. با توجه به این نوع نگرش، اسلام راهکارهایی را معرفی می کند که در آن ضمن هدف قرار دادن توزیع عادلانه درآمد، رشد اقتصادی نیز به عنوان معلول آن حاصل خواهد شد. اسلام نه تنها به توزیع مجدد درآمدهای جاری اهتمام جدی دارد، بلکه مقدم بر آن به توزیع منابع اولیه تولید که سرچشمه بسیاری از انحصارات می تواند باشد توجه مقدماتی دارد. لذا سیاست های خود را از دو طریق توزیع مجدد درآمد و توزیع اولیه تولید در جامعه اعمال می کند (همو، ۱۳۸۹، ص ۱۶۵).

برخی از نظریات اقتصادی توزیع نابرابر درآمد را یکی از شروط اصلی رشد اقتصادی می دانند و دلیلشان هم این است که نیازهای قشر پایین اجتماع اشباع شدن نیست و چنانچه توزیع درآمد برابر باشد، قشرهای پایین تمامی درآمد خود را صرف خرید کالا می کنند در صورتی که قشرهای بالا نیازهای اولیه خود را برطرف کرده و مازاد درآمدشان را پس انداز می کنند. چنانچه توزیع درآمد نابرابر باشد رشد اقتصادی تسریع می شود.

یکی از موضوعات مهم علم اقتصاد توزیع درآمد است که از طریق اقتصاد اثباتی و اقتصاد هنجاری بررسی می شود. در دیدگاه اقتصاد هنجاری، مفهوم و اهداف توزیع درآمد بحث می گردد؛ مثلاً در برخی نظریات هدف توزیع درآمد را ثبات سیاسی و رضایت مردم از دولت می دانند که این موضوع در نظریات توزیع ارسطو مشاهده می شود و برخی توزیع مناسب را به جهت برقراری عدالت ضروری می دانند. از نظریات عدالت نتیجه می شود که برابری حسابی درآمدها به مفهوم عدالت نیست؛ بلکه درآمدها باید براساس استحقاق افراد توزیع شوند، که مبنای استحقاق براساس دیدگاه های مختلف فلسفی با هم متفاوت اند، مثلاً مبنای استحقاق در اقتصاد نئوکلاسیکی تولید نهایی (سهم داشتن در تولید) است. برخی از اقتصاددانان رفاه، توزیع برابر درآمد را با فرض برابر بودن مطلوبیت افراد با توجه به هدف حداکثر کردن رفاه اجتماعی و قانون مطلوبیت نزولی الزامی می دانند. اقتصاد اثباتی توزیع درآمد را با شاخص های نابرابری بررسی می کند. در این بررسی از شاخص های اثباتی و هنجاری و شاخص های پارامتریک و ناپارامتریک استفاده می شود. مثلاً شاخص جینی که از منحنی لورنز به دست می آید و ضریب تمرکز یا شاخص تمرکز هر فیندال هریشمن همگی شاخص های ناپارامتریک توزیع درآمد هستند و شاخص های اتکینسون شاخص دالتون شاخص های پارامتریک یا بر مبنای تئوری هستند (بختیاری، ۱۳۸۲، ص ۶۲).

توصیف درجه نابرابری موجود بین افراد یک کشور و تشریح چگونگی سهم افراد مختلف یک کشور در درآمد ملی را توزیع درآمد می گویند. بنابراین بررسی توزیع درآمد و نابرابری آن، مقایسه سهم گروه های مختلف جمعیت، در درآمد ملی است (جعفری صمیمی، ۱۳۸۴). توزیع درآمد بر دو نوع است: توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید (شامل زمین، نیروی کار و سرمایه) و توزیع درآمد

بین گروه‌های مختلف درآمدی (مانند دهک‌های مختلف). وظیفه کنترل نابرابری درآمدها بر عهده دولت‌ها و سیاست‌های اقتصادیشان است (رادرفورد،^۱ ۲۰۰۷، ص ۱۱۲).

۲-۳. تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد

در ادبیات اقتصادی اغلب چندین جنبه از آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اقتصاد کشورهای میزبان مثل اثر سرریز بهره‌وری و اثر بر رشد بررسی می‌شود. با این حال اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد به‌عنوان یک مسئله مهم به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است. نظریه‌های وابستگی و نوسازی که در تقابل با هم هستند، می‌توانند به‌عنوان اولین تلاش‌ها برای کاوش عمیق این موضوع تلقی شوند (فرانکو و گروسی،^۲ ۲۰۱۰).

طرفداران دیدگاه نوسازی معتقدند قبل از اینکه به توزیع مجدد پرداخته شود باید به اندازه کافی محصول تولید شود و نابرابری را به‌عنوان پیش شرط لازم برای بهبود درآمد هر کسی می‌دانند. این استدلال را می‌توان در فرضیه کوزنتس یافت که بیان می‌کند در مراحل اولیه توسعه، جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وضعیت توزیع درآمد را بدتر می‌کند؛ اما در مراحل بعدی توسعه با افزایش مقادیر ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نابرابری درآمد کاهش می‌یابد، بدین‌گونه که در ابتدا شرکت‌های کشور میزبان برای به‌دست آوردن تکنولوژی جدید نیاز بیشتری به نیروی کار ماهر دارند. بنابراین تقاضا و قیمت نسبی (دستمزد) کارگران ماهر را افزایش می‌دهد که موجب تقسیم‌بندی بازار کار و نابرابری دستمزد است.

در مرحله دوم، زمانی که میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزایش می‌یابد، شرکت‌های محلی قادر به انتقال سطح بالاتر تکنولوژی با تقلید از شرکت‌های خارجی می‌شوند و از طریق آموزش تکنولوژی‌های جدید به نیروی کار کم مهارت شکاف دستمزد بین کارگران ماهر و غیرماهر کاهش می‌یابد. بر طبق نظریه نوسازی، مهم، مزیت است نه منشأ سرمایه. سرمایه چه داخلی چه خارجی موجب تسریع رشد می‌شود و سرانجام منافعش در کل اقتصاد پخش می‌گردد. از این‌رو حتی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تنها در بخش‌های مخصوص و برجسته موجب رشد شود یا منجر به دوگانگی اقتصادی شود، در بلندمدت رشد در بخش‌های خاص، توزیع درآمد را تسهیل می‌کند. از آنجایی که حامیان دیدگاه نوسازی به مواضع نئوکلاسیک‌ها نزدیک‌ترند، اثر مثبت نفوذ صنعتی خارجی را در کشور میزبان شناسایی کرده و معتقدند که نفوذ خارجی اثر مثبتی بر هر دو پارامتر رشد اقتصادی و توزیع درآمد دارد (تسال،^۳ ۱۹۹۵، ص ۴۷۰).

1. Rutherford

2. Franco & Gerussi

3. Tsal

طرفداران دیدگاه وابستگی ادعا می‌کنند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ساختار اجتماعی کشور میزبان شکاف ایجاد می‌کند و نابرابری داخلی را در کشور میزبان افزایش می‌دهد. آنها ایده انتقال توسعه را انکار می‌کنند. از آنجا که جهان به یک هسته غنی و یک حاشیه استثمار شده، تقسیم شده است، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌طور آشکار به وسیله هسته غنی انجام می‌شود. به دلیل ایجاد انحرافات ساختاری و سرکوب سیاست‌های مستقل وضعیت کشورهای حاشیه‌ای بدتر می‌شود. تنورسین‌های وابستگی، مکانیسم نواستعماری (گسترش توسعه نیافتگی) را برجسته کرده‌اند و معتقداند هنگامی اتفاق می‌افتد که نخبگان داخلی مربوط به بخش صادرات‌گرا از نفوذ خارجی حمایت می‌کنند و مانع توسعه تولید بومی می‌شوند. در نتیجه به عقیده آنان این فرایند از طریق بدتر کردن توزیع درآمد موجب به عقب راندن و یا حتی ممانعت از فرایند رشد اقتصادی می‌شود (فرانکو و گروسی، ۲۰۱۰).

شاخص عملکرد ورود FDI به یک کشور نسبت سهم آن کشور در جریان FDI جهانی به سهم آن کشور در GDP جهانی است؛ یعنی هرچه سهم یک کشور از GDP جهانی بیشتر باشد، سرمایه خارجی بیشتری جذب می‌کند و باعث اشتغال بیشتر و افزایش سطح دستمزد می‌شود و بر توزیع درآمد در جامعه مؤثر است. با وجود تجارت آزادانه بین کشورها انگیزه‌های جدید سرمایه‌گذاری و نوآوری ایجاد می‌شود. اصلاحات تجاری معمولاً باعث ترغیب FDI می‌شود آن سبب ورود تکنولوژی و فناوری می‌شود. ورود روش‌های تجاری و فناوری‌های نوین باعث افزایش بهره‌وری، رشد بنگاه‌های داخلی و همچنین اشتغال بیشتر می‌شود و از این طریق بر توزیع درآمد مؤثر است.

بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که نابرابری توزیع درآمد به‌صورتی که شکاف عمده‌ای بین کم‌درآمدها و پردرآمدها در جامعه وجود داشته باشد، دست‌کم در کوتاه‌مدت مطلوب است. استدلال آنها نیز این است که، میل به پس‌انداز در قشر بالایی جامعه (از نظر اقتصادی) بیش از میل به پس‌انداز در قشر پایین جامعه است. به این ترتیب، با توزیع متعادل‌تر درآمد، سطح پس‌انداز کاهش و سطح مصرف در جامعه افزایش می‌یابد. به همین سبب، توزیع متعادل‌تر درآمد که مترادف با کاهش پس‌انداز و کاهش نرخ سرمایه‌گذاری است، کاهش نرخ رشد اقتصادی بلندمدت را به دنبال دارد. از طرف دیگر، اگر توزیع متعادل‌تر باعث تشدید نرخ رشد جمعیت نیز شود، ممکن است در بلندمدت سطح زندگی در جامعه را تغییر دهد. برعکس، با توزیع نامتعادل درآمد، نرخ سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و نرخ رشد اقتصادی بلندمدت تضمین می‌شود. بنابراین از نظرگاه تئوریک، این امر در بلندمدت می‌تواند موجب رفاه بیشتر قشر پایین جامعه شود (روزبهان، ۱۳۸۷، ص ۱۷۰).

به‌طور خلاصه موافقان جذب FDI علت را آثار مثبت جذب FDI بر اقتصاد کشور میزبان نظیر تأمین سرمایه، انتقال تکنولوژی پیشرفته، انتقال مهارت مدیریت و دانش و ارتقای توان نیروی کار، توسعه منابع مالی و انسانی، گسترش بازرگانی خارجی، برانگیخته شدن حس رقابت در بین بنگاه‌ها و

شرکت‌های تولیدی کشور میزبان، تسهیل شدن ورود به بازارهای جهانی می‌دانند. استدلال‌های اساسی علیه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارتند از:

الف) با اینکه شرکت‌های چند ملیتی فراهم‌کننده سرمایه هستند؛ ولی ممکن است نرخ‌های پایین‌تر، پس‌انداز داخلی و سرمایه‌گذاری را به اشکال زیر کاهش دهند. با از بین بردن رقابت، کوتاهی در سرمایه‌گذاری مجدد بخش اعظم سودهای خود، ایجاد درآمدهای محلی برای گروه‌هایی که تمایل به پس‌انداز کمتری دارند، جلوگیری از گسترش شرکت‌های داخلی که ممکن است عرضه‌کننده کالاها و واسطه‌ای به این شرکت‌ها باشند با وارد کردن این‌گونه کالاها از شعبات وابسته خارجی خود و وضع بهره زیاد بر سرمایه‌های قرض گرفته شده توسط دولت‌های میزبان؛

ب) اگرچه تأثیر اولیه سرمایه‌گذاری شرکت‌های چند ملیتی بهبود وضع ارز خارجی شرکت دریافت‌کننده است، تأثیر بلندمدت آن ممکن است کاهش دریافتی‌های ارزی حساب‌های جاری و سرمایه‌ای این کشورها باشد. بدتر شدن وضع حساب‌های جاری احتمالاً به سبب افزایش واردات کالاها و واسطه‌ای و سرمایه‌ای است، در حالی که خراب شدن وضع حساب سرمایه ممکن است به دلیل برگشت دادن منافع، حق امتیازها و حقوق مدیریت و خروج سرمایه به خارج از کشور باشد؛

ج) در حالی که شرکت‌های چند ملیتی از طریق مالیات‌هایی که دولت بر شرکت‌ها می‌بندد به درآمدهای دولتی کمک می‌کنند، ولی می‌توانند این درآمدها را با استفاده از امتیازات مالیاتی، کمک به سرمایه‌گذاری اضافی، کمک‌های مخفی دولتی و حمایت تعرفه‌ای کشور میزبان کاهش دهند؛

د) مدیریت، مهارت‌های کارفرمایی، تکنولوژی و سرانجام تماس‌های خارجی شرکت‌های چند ملیتی ممکن است تأثیر بسیار ناچیزی در توسعه منابع داخلی این مهارت‌ها و منابع داخلی به دلیل حاکمیت شرکت‌های چند ملیتی بر ابزارهای داخلی، محدود کند (تودارو، ۱۳۸۳، ص ۱۴۲).

به‌طور خلاصه مخالفان معتقدند ورود شرکت‌های خارجی به بازار داخل تعادل بازار داخل را بر هم می‌زند و منجر به فشار بر بنگاه‌های داخلی می‌شود و آثار منفی دیگری نظیر غارت منابع طبیعی و وابستگی اقتصادی بر جای دارد (صابونچی و رشیدزاده، ۱۳۹۳، ص ۱۲۳).

۳. پیشینه پژوهش

۳-۱. مطالعات داخلی

آذربایجان و همکاران (۱۳۹۱)، با بررسی تأثیر تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی بر توزیع درآمد در ایران طی دوره ۱۳۵۷-۱۳۸۹ با استفاده از روش ARDL به این نتیجه رسیدند که یک رابطه بلندمدت بین متغیرها وجود دارد و اینکه افزایش تجارت منجر به کاهش نابرابری درآمد و افزایش جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سبب افزایش نابرابری درآمد در بلندمدت می‌شود.

سامتی و همکاران (۱۳۹۰)، با تحلیل اثر جهانی شدن بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب در حال توسعه، با به‌کارگیری داده‌های تابلویی طی دوره ۱۹۸۵-۲۰۰۴ به این نتایج دست یافتند که نه تنها با فرضیه کوزنتس در تضاد نیست بلکه آن را بسط می‌دهد. همچنین رابطه L شکل معکوسی بین توزیع درآمد با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نرخ باز بودن و شاخص ادغام تجارت بین‌الملل وجود دارد. در این مطالعه از روش داده‌های تابلویی و در قالب یک معادله که شاخص نابرابری درآمدی متغیر وابسته و دیگر متغیرها با درجه یک یا دو به‌عنوان متغیرهای مستقل هستند، استفاده شده است.

موسوی و همکاران (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان اثر جهانی شدن بر نابرابری درآمد، با استفاده از شاخص‌های نسبت صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی، نسبت خالص سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی و همچنین وقفه‌های مختلف خالص سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی طی دوره ۱۳۶۰-۱۳۸۳ به این نتیجه رسیدند که فرضیه کوزنتس تأیید می‌شود.

۳-۲. مطالعات خارجی

نانن کمپ^۱ (۲۰۱۴)، در یک مطالعه به بررسی تأثیر بلندمدت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر نابرابری درآمد در پنج کشور آمریکای لاتین یعنی بولیوی، شیلی، کلمبیا، مکزیک و اوروگوئه با استفاده از روش داده‌های ترکیبی پرداخت. نتایج نشان می‌دهد که به جز اوروگوئه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شکاف درآمدی را در این کشورها افزایش داده است.

منصور و همکاران^۲ (۲۰۱۴) در یک پژوهش تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد را در پنج کشور بنگلادش، هند، نپال، پاکستان و سریلانکا طی دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۱۱ با استفاده از روش داده‌های ترکیبی بررسی کردند. همچنین در کنار سرمایه‌گذاری خارجی متغیرهای باز بودن تجارت، رشد اقتصادی و تورم را نیز بر توزیع درآمد بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر منفی و معناداری بر توزیع درآمد دارد. اما شاخص باز بودن تجارت و رشد اقتصادی بر توزیع درآمد تأثیر مثبت و معناداری دارد و تورم تأثیر منفی و معناداری بر توزیع درآمد دارد.

هرزر و نانن کمپ^۳ (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای با عنوان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نابرابری درآمد، شواهدی از اروپا، رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نابرابری درآمد را برای

1. Nunnenkamp

2. Mansoor

3. Herzer & Nunnenkamp

۱۰ کشور اروپایی طی دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰ بررسی کردند. آنها از طریق داده‌های تابلویی و آزمون علیت، به این نتیجه رسیدند که در کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مثبتی بر نابرابری درآمد در اروپا دارد و اثر بلندمدت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر نابرابری درآمد به طور متوسط مثبت است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد و نابرابری بالاتر منجر به سطوح پایین‌تر از جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود.

هالموس^۱ (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای با عنوان اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، صادرات و تولید ناخالص داخلی بر نابرابری درآمد در ۱۵ کشور اروپای شرقی به این نتیجه رسید که رابطه مثبت و معناداری بین افزایش نابرابری درآمد و افزایش موجودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای اروپای شرقی وجود دارد.

جرجانتوبولوس^۲ (۲۰۱۱)، در یک پژوهش به بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نابرابری دستمزد با استفاده از روش داده‌های ترکیبی برای ۱۰۰ کشور طی دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۲ پرداخت. او بیان می‌کند که آثار FDI با توجه به سطح توسعه متفاوت است. در کشورهای توسعه یافته سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باعث بهبود توزیع درآمد می‌شود و در کشورهای در حال توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد.

کاسترو^۳ (۲۰۱۰) تأثیر تجارت و FDI بر نابرابری درآمدی در ۹۳ کشور را بررسی می‌کند. او نابرابری درآمدی خانوارها را تابعی از تجارت، FDI، تورم و آموزش در نظر می‌گیرد. روش تحقیق وی داده‌های تابلویی است. او همچنین در مورد پایداری، اقتصاد کلان و حکمرانی بحث می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که تجارت تأثیر مثبت بر توزیع درآمد دارد؛ در حالی که FDI و تورم باعث افزایش نابرابری می‌شوند و در بلندمدت اشتغال در صنعت، تجارت و صادرات کارخانه‌ای می‌تواند تأثیر منفی FDI و تورم را بر نابرابری کاهش دهد.

فرانکو و گروسی (۲۰۱۰)، در مقاله‌ای با عنوان تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نابرابری درآمد شواهدی تجربی از کشورهای در حال گذار، اثرگذاری تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بر توزیع درآمد برای ۱۸ کشور در حال گذار طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۶ بررسی می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ارتباط معناداری با نابرابری درآمد ندارد؛ در حالی که تجارت به خصوص وقتی که با کشورهای در حال توسعه انجام شود به نظر می‌رسد مرتبط‌تر باشد. نتیجه دوم بر این تأکید می‌کند که نظام آموزشی کشورهای در حال گذار می‌تواند یک کانال مهم برای انتشار دانش توسط تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باشد.

1. Halmos

2. Georgantopoulos

3. Catsro

باسو و جورجیا^۱ (۲۰۰۷) تأثیر FDI بر نابرابری و رشد در مورد ۱۱۹ کشور به روش داده‌های تابلویی را بررسی و به این نتیجه می‌رسند که FDI افزایش‌دهنده نابرابری و رشد در کشورهای مورد مطالعه است و سبب کاهش سهم کشاورزی در GDP می‌شود.

بنداری^۲ (۲۰۰۷)، در مقاله‌ای با عنوان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نابرابری درآمد، به صورت تجربی ارتباط بین FDI و نابرابری درآمد را در کشورهای در حال گذار اروپای شرقی و آسیای مرکزی برای دوره ۱۹۹۰-۲۰۰۲ بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نابرابری درآمد را در اقتصادی که تعداد مزدبگیران بیشتر از صاحبان سرمایه هستند کاهش می‌دهد.

۴. روش پژوهش

در این مقاله از داده‌های بانک جهانی و آنکتاد^۳ استفاده شده است که شامل ۴۳ کشور در حال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین که ایران جزء این گروه کشورهاست و ۳۷ کشور در حال توسعه، با درآمد پایین‌تر از میانگین است. داده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که به صورت خالص است از پایگاه اطلاعاتی بانک جهانی استخراج شده است. داده تولید ناخالص داخلی نیز از بانک جهانی و بر مبنای قیمت‌های ثابت آمریکا در سال ۲۰۰۰ استخراج شده است. متغیر تولید ناخالص داخلی بیانگر حجم فعالیت‌های اقتصادی کشورهاست. همچنین داده‌های متغیرهای تورم، مخارج دولتی، شاخص باز بودن تجاری که درصد صادرات و واردات از تولید ناخالص داخلی است، مالیات که در اینجا حجم درآمد مالیاتی دولت در نظر گرفته شده از بانک جهانی استخراج شده است. متغیر نیروی کار و جمعیت فعال نیز از سایت UNCTAD گرفته شده و متغیر اشتغال نیز از تقسیم نیروی کار بر جمعیت فعال به دست آمده است.

این بررسی براساس مدل‌های ARDL در دوره ۱۳۶۰-۱۳۹۴ برای ایران انجام شده است. برای کشورهای در حال توسعه به تفکیک درآمدی از تخمین‌زن گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)، طی دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۱۴ و نیز به توسط نرم‌افزار Eviews9 استفاده شده است. روش GMM پانل دیتا پویا مزیت‌هایی همانند لحاظ نمودن ناهمسانی فردی و اطلاعات بیشتر، حذف تورش‌های موجود در رگرسیون مقطعی است که نتیجه آن تخمین‌های دقیق‌تر، با کارایی بالاتر و هم خطی کمتر در GMM خواهد بود.

1. Basu & Guariglia

2. Bhandari

3. UNCTAD

با توجه به مبانی نظری و پیشینه مطالعات مدل این پژوهش به منظور بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری بر توزیع درآمد مستقیم خارجی به صورت زیر است:

$$\text{Gini}_{it} = c + \gamma \text{Gini}_{it}(-1) + \beta \text{FDI}_{it} + \alpha_1 \text{GDP}_{it} + \alpha_2 \text{EM}_{it} \quad (1)$$

$$+ \alpha_3 \text{INF}_{it} + \alpha_4 \text{T}_{it} + \alpha_5 \text{EX}_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$\text{Gini}_{it} = c + \gamma \text{Gini}_{it}(-1) + \beta \text{FDI}_{it} + \alpha_1 \text{GDP}_{it} + \alpha_2 \text{EM}_{it} \quad (2)$$

$$+ \alpha_3 \text{GDP}_{it}^2 + \alpha_4 \text{INF}_{it} + \alpha_5 \text{T}_{it} + \alpha_6 \text{EX}_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$\text{Gini}_{it} = c + \beta \text{TR}_{it} + \alpha_1 \text{GDP}_{it} + \alpha_2 \text{EM}_{it} + \alpha_3 \text{T}_{it} + \alpha_4 \text{EX}_{it} \quad (3)$$

$$+ \alpha_5 \text{FDI}_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در این مدل Gini ضریب جینی (شاخص توزیع درآمد)؛ $\text{Gini}(-1)$ وقفه متغیر وابسته؛ C عرض از مبدأ؛ FDI سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی؛ TR شاخص باز بودن تجاری؛ GDPG رشد تولید ناخالص داخلی؛ GDPG^2 مجذور رشد تولید ناخالص داخلی؛ INF تورم؛ EX مخارج دولتی؛ EM اشتغال؛ T مالیات است.

$\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3, \alpha_4, \alpha_5, \alpha_6, \gamma$ پارامترهای مجهولی هستند که تخمین زده می‌شوند. ε_{it}

یک متغیر تصادفی است که اثر سایر عوامل مؤثر بر توزیع درآمد که در اینجا در نظر گرفته نشده است را نشان می‌دهد.

لازم به ذکر است که برای متغیر رشد تولید ناخالص داخلی، متغیر $(\text{GDPG}_{it})^*$ با کسر نرخ رشد تولید از میانگین آن به صورت $(\text{GDPG}_{it})^* = [\text{GDPG}_{it} - \text{Aver}(\text{GDPG}_{it})]$ در نظر گرفته شد و در ادامه متغیر جدید معرفی شده، برای بررسی مقوله منحنی کوزنتس به توان دوم رسید یعنی $((\text{GDPG}_{it})^*)^2$.

تبیین آن بدین صورت است زمانی که در حالت عادی متغیر مستقل به صورت توان دوم در مدل ظاهر می‌شود، ضریب متغیر X بیانگر میزان تغییرات متغیر X نسبت به Y نمی‌باشد و در حالتی که میزان X برابر صفر است، تنها نشانگر میزان تغییرات Y در اثر تغییرات X است $(\frac{dy}{dx})$. بنابراین متغیر مورد نظر را به صورت $X^* = (X - \bar{X})^*$ تعریف و مجدداً معادله به شکل $Y = \alpha + \beta X^* + \gamma (X^*)^2$ بازنویسی کرده و تخمین زده خواهد شد. در این حالت ضریب بتا بیانگر میزان تغییرات Y نسبت به تغییرات X است.

۴-۱. بررسی مانایی داده‌های تلفیقی

قبل از برآورد مدل، ابتدا نسبت به مانایی و نامانایی داده‌های مورد استفاده در مدل اطمینان حاصل می‌شود. اگر در تخمین معادلات از داده‌های ناماناستفاده شود، به دلیل اینکه داده‌ها در طول زمان واریانس و میانگین ثابت ندارند، بنابراین آماره‌های F و t معتبر نیستند. در این مقاله با استفاده از بسته نرم‌افزاری Eviws9 به بررسی مانایی داده‌های پانل پرداخته می‌شود. جهت بررسی مانایی متغیرها از آزمون‌های لوین، لین و چو (LLC)، برتوگ (B)، هادری (H)، ایم، پسران و شین (IPS)، آزمون فیشر-دیکی فولر تعمیم‌یافته (ADF) و فیشر-فلپس پرون (PP) استفاده می‌شود. در تمام این آزمون‌ها فرضیه صفر مبتنی بر وجود یک ریشه واحد است. نتایج این آزمون به دو صورت مدل دارای عرض از مبدأ و مدل دارای عرض از مبدأ و روند به صورت زیر است:

جدول ۱: نتایج آزمون‌های ایستایی با جزء ثابت در کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین

متغیر	LLC	IPS	ADF	PP
FDI	-۶/۱۹	-۶/۵۸	۱۸۹/۸۶	۱۸۶/۳۹
GDPG	-۱۶/۳۳	-۱۶/۰۸	۴۰۷/۶۲	۴۳۹/۱۳
GDPG ²	-۲۹/۲۳	-۲۰/۴۴	۶۷۵/۸۰	۶۹۴/۷۰
T	-۱۱/۲۱	-۱/۱۹	۱۵۲/۰۷	۴۲۰/۲۸
EM	-۶۱/۶۴	-۱۸/۱۹	۵۲۷/۲۰	۵۱۸/۳
INF	-۱/۰۹	-۱/۶۹	۱۳۵/۶۱	۱۸۲/۲۱
TR	-۴/۱۴	-۲/۸۱	۱۱۸/۳۸	۱۱۷/۰۱
EX	-۸/۶۲	-۴/۳۴	۱۵۳/۳۴	۱۷۸/۸۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۲: نتایج آزمون‌های ایستایی با جزء ثابت و روند در کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین

متغیر	LLC	IPS	ADF	PP
FDI	-۶/۹۱	-۵/۹۵	۱۵۸/۷۳	۱۵۶/۹۹
GDPG	-۱۵/۵۱	-۱۲/۹۶	۳۱۷/۸۱	۴۲۷/۲۶
GDPG ²	-۲۶/۴۸	-۱۸/۶۵	۶۱۰/۴۹	۶۹۹/۲۴
T	-۱۴/۷۱	-۲/۳۷	۲۳۳/۸۰	۴۰۲/۸۹
EM	-۷/۲۲	-۷/۰۶	۱۹۸/۱۵	۲۰۰/۴۰
INF	-۱۰۰/۸۰	-۷۱/۶۳	۵۲۳۲/۳۲	۳۱۲۹/۵۶
TR	-۳/۶۲	-۲/۷۴	۱۲۰/۱۰	۱۳۵/۴۷
EX	-۱۱/۳۴	-۱/۷۵	۱۳۴/۰۵	۲۰۹/۱۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۳: نتایج آزمون‌های ایستایی با جزء ثابت در کشورهای در حال توسعه با درآمد پایین‌تر از میانگین

متغیر	LLC	IPS	ADF	PP
FDI	-۶/۴۶	-۶/۶۸	۱۷۳/۳۴	۱۸۳/۳۰
GDPG	-۱۹/۶۳	-۱۶/۴۰	۳۹۸/۳۶	۳۷۶/۵۲
GDPG ²	-۸۵/۰۰	-۲۸/۲	۵۹۵/۰۵	۵۹۳/۷۴
T	-۴/۲۵	۱/۹۸	۷۰/۳۹	۱۰۱/۸۳
EM	-۳۱/۰۳	-۱۹/۲۴	۵۸۸/۷۷	۴۳۶/۴۰
INF	۸/۸۶	۵/۶۸	۹۵/۱۲	۱۱۲/۹۲
TR	-۲/۲۴	-۱/۵۶	۹۹/۴۲	۱۰۱/۹۵
EX	-۲/۹۲	-۰/۵۸	۱۱۵/۱۲	۱۲۲/۹۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۴: نتایج آزمون‌های ایستایی با جزء ثابت و روند در کشورهای در حال توسعه با درآمد پایین‌تر از میانگین

آزمون‌ها متغیر	LLC	IPS	ADF	PP
FDI	-۶/۵۵	-۶/۳۵	۱۷۶/۴۲	۳۴۶/۸۲
GDPG	-۱۹/۵۰	-۱۶/۶۶	۵۷۹/۸۳	۶۷۱/۲۱
GDPG ²	-۸۴/۴۵	-۲۹/۶۴	۵۶۵/۳۲	۵۶۴/۳۴
T	-۱۷/۲۸	-۲/۶۳	۳۵۱/۹۲	۳۷۲/۵۲
EM	-۱۰/۱۷	-۱/۶۵	۱۷۸/۷۹	۱۰۷/۹۰
INF	-۲۲/۴۷	-۱۷/۸۳	۴۰۱/۹۳	۴۲۶/۳۹
TR	-۳/۵۵	-۱/۶۳	۱۰۳/۶۲	۱۰۵/۱۳
EX	-۸/۸۵	-۰/۵۴	۱۰۲/۰۹	۱۲۴/۷۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون ایستایی متغیرهای تحقیق در جدول‌های (۱)، (۲)، (۳) و (۴) ارائه شده است. براساس آماره‌های LLC، IPS، ADF و PP تمامی متغیرها با جزء ثابت و جزء ثابت و روند ایستا هستند.

۴-۲. تخمین مدل گشتاورهای تعمیم‌یافته

در این مقاله جهت تخمین مدل از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) استفاده می‌شود. آنچه درباره این برآوردکننده اهمیت دارد، این است که این تخمین‌زننده قدرتمند، نیازی به اطلاع دقیق از توزیع جملات اخلاص ندارد. فرض اصلی این روش، بر پایه این بنا نهاده شده که اخلاصها در معادلات با مجموعه متغیرهای ابزاری همبسته نیستند و با انتخاب متغیرهای ابزاری صحیح، این روش تخمین، با اعمال یک ماتریس وزنی، می‌تواند برای شرایط واریانس ناهمسانی برآوردکننده قدرتمندی را بسازد. آزمون سارگان^۱ برای تعیین هر نوع همبستگی بین ابزارها و خطاها به کار برده می‌شود. برای اینکه

1. Sargan test

ابزارها معتبر باشند، باید بین ابزارها و جملات خطا همبستگی وجود نداشته باشد. فرضیه صفر برای این آزمون آن است که ابزارها تا آنجا معتبر هستند که با خطاها در معادله تفاضلی مرتبه اول همبسته نباشند. عدم رد فرضیه صفر می‌تواند شواهدی را دال بر مناسب بودن ابزارها فراهم آورد. در اینجا نتایج آزمون سارگان هم در کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین و هم در کشورهای در حال توسعه با درآمد پایین‌تر از میانگین دلالت بر عدم رد فرضیه صفر و معتبر بودن متغیرهای ابزاری تعریف شده، داشته و بنابراین، مدل به متغیرهای ابزاری دیگری نیاز ندارد. به بیان بهتر بین متغیرهای ابزاری تعریف شده و آثار ثابت یا انفرادی کشورها هیچ‌گونه همبستگی وجود ندارد.

آرلانو و باند^۱ روشی را به منظور آزمون خودهمبستگی مرتبه اول و دوم برای تفاضل مرتبه اول خطاها تصریح کردند که در آن باید ضریب خودرگرسیون مرتبه اول (AR (1) معنادار باشد و ضریب خودرگرسیون مرتبه دوم (AR (2) معنادار نباشد؛ زیرا در مدل پانل پویا (DPD) زمانی که جزء اختلال دارای توزیع یکنواخت و مستقل (iid) باشد، تفاضل مرتبه اول خطاها Vit دارای همبستگی مرتبه اول می‌باشد؛ زیرا وقفه متغیر وابسته به‌عنوان مستقل و برای لحاظ پویایی‌های مدل در تصریح اقتصادسنجی وارد می‌شود. نتایج تخمین مدل‌ها به روش GMM برای کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر و پایین‌تر از میانگین طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۴ در جدول (۵) ارائه شده است:

جدول ۵: نتایج تخمین مدل‌ها به روش GMM برای هر دو گروه از کشورهای در حال توسعه

انواع مدل ضریب	کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین				کشورهای در حال توسعه با درآمد پایین‌تر از میانگین			
	مدل غیر خطی		مدل خطی		مدل غیر خطی		مدل خطی	
	ضرایب	prob	ضرایب	prob	ضرایب	prob	ضرایب	Prob
Gini (-1)	-۰/۲	۰/۰۰۰	-۰/۲۴	۰/۰۰۰	-۰/۳۳	۰/۰۰۹	-۰/۳۳	۰/۰۱
FDI	۴/۰۸	۰/۰۰۰	۴/۶	۰/۰۰۰	۶/۰۲	۰/۰۵	۵/۴	۰/۰۱
GDPG	۴/۶	۰/۰۰۰	۵/۴۶	۰/۰۰۰	۰/۱۱	۰/۹	-۰/۳۴	۰/۷
GDPG ²	-۰/۷۹	۰/۰۰۰	-	-	۰/۰۵	۰/۸	-	-
INF	-۰/۴۷	۰/۰۰۰	-۰/۸	۰/۰۰۰	-۰/۸۸	۰/۰۷	-۰/۹	۰/۰۵
EM	-۷/۶۸	۰/۰۰۰	-۴/۵۷	۰/۰۰۰	-۰/۳۴	۰/۸	-۰/۶۶	۰/۸
LT	-۲۴/۰۶	۰/۰۰۰	-۱۷/۲۸	۰/۰۰۰	۳۲/۳۹	۰/۰۷	۳۴/۷۱	۰/۰۶
TR	-۰/۶۲	۰/۰۰۰	-۰/۶۱	۰/۰۰۰	-۰/۱	۰/۷	-۰/۱	۰/۷
EX	۴۳/۷	۰/۰۰۰	۴۷/۶۲	۰/۰۰۰	۲/۵	۰/۴	-۲/۱۴	۰/۲
J- statistic	۱۷/۷۳	۰/۳	۱۸/۴۵	۰/۳۶	۲۶/۶۶	۰/۶	۲۶/۷۸	۰/۶
AR (1)	۰/۸۴	۰/۴	۰/۸۹	۰/۳	۰/۵۴	۰/۵	۰/۴۷	۰/۶
AR (2)	۱/۰۱	۰/۳	۱/۰۶	۰/۲	-۰/۲۷	۰/۷	-۰/۳۱	۰/۷
Opservation	۲۵۱		۲۵۱		۲۱۶		۲۱۶	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

1. Arellano and Bond

براساس نتایج برآورد و آماره J -statistic، هر دو مدل برای کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر و پایین‌تر از میانگین، مدل‌های مناسبی هستند. همچنین، آزمون‌های خودهمبستگی مقادیر خطا نشان‌دهنده عدم وجود خودهمبستگی بین اجزای خطاست. در مدل کوزنتس زمان مهم است؛ زیرا در ابتدا رشد اقتصادی باعث نابرابری توزیع درآمد می‌شود و با گذشت زمان باعث بهبود توزیع درآمد می‌شود و چون مدل GMM عامل زمان را در نظر می‌گیرد در این مدل فرضیه کوزنتس تایید شده است.

۴-۳. تخمین مدل ARDL برای ایران

در این بخش اثر سرمایه‌گذاری خارجی بر توزیع درآمد در ایران با رویکرد خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی بررسی می‌شود.

۴-۳-۱. آزمون ریشه واحد سری زمانی

یک فرایند تصادفی هنگامی ایستا^۱ است که میانگین و واریانس آن طی زمان ثابت باشد و مقدار کوواریانس بین دو دوره زمانی، تنها به فاصله یا وقفه بین دو دوره بستگی دارد و ارتباطی به زمان واقعی محاسبه کوواریانس نداشته باشد. وجود متغیرهای نامانای باعث می‌شود که آزمون‌های F و t از اعتبار برخوردار نباشند و یک رگرسیون کاذب تشکیل شود. براساس مقادیر آماره‌های ADF و مقایسه آن با مقادیر بحرانی فرض صفر وجود ریشه واحد برای همه متغیرها رد نشده است. به عبارتی دیگر، تمامی متغیرهای مدل به جزء اشتغال در سطح نایستا بوده است. لذا در مرحله اول آزمون دیکی-فولر تعمیم‌یافته (ADF)^۲ برای بررسی ایستایی سری‌های زمانی مورد نظر انجام گرفته که نتایج آن در جدول (۶) آمده است:

جدول ۶: آزمون ایستایی دیکی-فولر تعمیم‌یافته متغیرهای مورد مطالعه در اقتصاد ایران

متغیر	وقفه بهینه	مقدار t	Prob	نتیجه
GINI	۱	-۴/۴۵	۰/۰۰۱۶	I (1)
FDI	۱	-۳/۹۸	۰/۰۰۵۱	I (1)
EX	۱	-۴/۵۷	۰/۰۰۱	I (1)
GDP	۱	-۴/۱۴	۰/۰۰۲	I (1)
EM	۱	-۲/۳۹	۰/۰۱	I (0)
TR	۱	-۳/۲۶	۰/۰۲	I (1)
TAX	۱	-۳/۲۹	۰/۰۲	I (1)

منبع: یافته‌های پژوهش

1. Stationary

2. Augmented Dicky-Fuller test

براساس آزمون تفاضل اول متغیرها، فرضیه ایستایی رد شده است. به عبارتی دیگر، این متغیرها با یک تفاضل ایستا شده‌اند. به علت احتمال وجود شکست ساختاری در متغیرها و منظور نشدن این شکست در آزمون دیکی-فولر تعمیم‌یافته، از آزمون فلیپس پرون با نرم‌افزار ایویوز ۹، نیز برای اطمینان از نتایج آزمون دیکی-فولر استفاده شده است که متغیرها با یک تفاضل ایستا شده‌اند. نتایج آزمون فلیپس پرون در جدول (۷) آمده است.

جدول ۷: آزمون ایستایی فلیپس پرون متغیر مورد مطالعه در اقتصاد ایران

متغیر	وقفه بهینه	مقدار t	Prob	نتیجه
GINI	۳	-۶/۳۳	۰/۰۰۰	I (1)
FDI	۳	-۶/۰۵	۰/۰۰۰	I (1)
EX	۳	-۶/۶۷	۰/۰۰۰	I (1)
GDP	۳	-۳/۰۶	۰/۰۰۳	I (1)
EM	۳	-۴/۲۹	۰/۰۰۲	I (1)
TR	۳	-۳/۹۴	۰/۰۰۵	I (1)
TAX	۳	-۴/۹۳	۰/۰۰۰۷	I (1)

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۳-۲. تعیین تعداد وقفه‌های بهینه

گام بعدی در برآورد الگو ARDL تعیین تعداد وقفه‌های بهینه است. معمولاً در نمونه‌های کمتر از ۱۰۰ مشاهده از معیار شوارتز بیزین جهت تعیین تعداد وقفه‌های بهینه هر یک از متغیرها استفاده می‌شود تا درجه آزادی آن زیاد کاهش نیابد. تعداد وقفه‌های بهینه براساس وقفه‌های شوارتز بیزین در جدول (۸) آمده است:

جدول ۸: تعداد وقفه‌های بهینه

متغیر	وقفه بهینه (معیار شوارتز-بیزین)
GINI	۱
FDI	۱
EX	۱
GDP	۰
EM	۱
TR	۰
TAX	۱

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۳-۳. نتایج حاصل از الگوی تصحیح خطا^۱

براساس مطالعه پسران و همکاران (۱۹۹۶)، با استفاده از روش ARDL و با منظور کردن وقفه‌های مناسب، می‌توان ضرایب بلندمدت سازگاری میان متغیرهای مورد نظر در یک مدل به‌دست آورد. در روش یوهانسن جوسیلیوس^۲، برای کل متغیرها وقفه یکسانی انتخاب می‌شود؛ در حالی که در روش ARDL برای تک تک متغیرها با استفاده از معیارهایی مانند شوارتز-بیزین، آکائیک و حنان کوئین، وقفه‌های بهینه انتخاب می‌شود.

وجود هم‌انباشتگی میان مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی، مبنای آماری استفاده از الگوهای تصحیح خطا را فراهم می‌کند. عمده‌ترین دلیل شهرت این الگوها آن است که نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها را به مقادیر تعادلی بلندمدت ارتباط می‌دهد. در واقع این مدل‌ها نوعی از مدل‌های جزئی‌اند که در آنها با وارد کردن پسماند پایا از یک رابطه بلندمدت نیروهای مؤثر در کوتاه‌مدت و سرعت نزدیک شدن به مقدار تعادلی بلندمدت اندازه‌گیری می‌شوند. وقفه پسماند رابطه بلندمدت را به‌عنوان ضریب تصحیح خطا در نظر می‌گیرد و مدل برآورد می‌شود. ضریب تصحیح خطا یعنی برآورد ضریب وقفه پسماند، در صورتی که با علامت منفی ظاهر شود که انتظار می‌رود چنین باشد، نشانگر سرعت تصحیح خطا و میل به تعادل بلندمدت خواهد بود. این ضریب نشان می‌دهد در هر دوره چند درصد از عدم تعادل متغیر وابسته تعدیل شده و به سمت رابطه بلندمدت نزدیک می‌شود (تشکینی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۸). ضریب الگوی تصحیح خطا مربوط به عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران در جدول (۹) آمده است.

جدول ۹: ضرایب مربوط به الگوی تصحیح خطای متغیرها در اقتصاد ایران

متغیر	ضرایب برآوردی	انحراف معیار	Prob
D FDI	۶/۲۹	۰/۱	۰/۰۰۰
D EX	۱/۹	۰/۰۹	۰/۰۰۰
D GDP	۳۴/۳۳	۴/۲۱	۰/۰۰۱
D EM	-۰/۶۶	۰/۲۳	۰/۰۴
D TR	-۱/۵۶	۰/۰۲	۰/۰۰۰
D TAX	۰/۲۷	۰/۹۲	۰/۷
Coin(ECM)	-/۶۹	۰/۰۳	۰/۰۰۰
R-Squared		۰/۹۹	
DW		۲/۵۸	
F-Stat		۱۶۴/۸۳	

منبع: یافته‌های پژوهش

1. ECM

2. Johansen

جدول ۱۰: آزمون‌های تشخیصی

آزمون	ضریب F	Prob
عدم همبستگی سریالی	۰/۰۳	۰/۱۹
فرم تبعی مناسب	۰/۰۶	۰/۸۱
نرمال بودن	۴/۵	۰/۱
واریانس همسانی	۰/۶۲	۰/۷۵

منبع: یافته‌های پژوهش

از چهار آزمون تشخیصی با در نظر گرفتن سطح خطای ۵ درصد و مقایسه آن با حداقل سطح معناداری، فرضیه‌های صفر مبتنی بر واریانس همسانی و عدم همبستگی جملات اخلال قبول و فرضیه مقابل آن رد شده است. نتایج آزمون RESET رمزی نیز نشان می‌دهد که فرم تابع مشکل تصریح ندارد.

برای بررسی اینکه آیا رابطه تعادلی بلندمدت در الگوی بالا، واقعی است یا خیر؟ از آماره F به دست آمده از آزمون والد که توسط پسران و شین^۱ (۱۹۹۶) ارائه شده استفاده می‌شود. وجود رابطه بلندمدت میان متغیرهای تحت بررسی به وسیله آماره F برای آزمون معناداری سطوح با وقفه متغیر در فرم تصحیح خطا مورد آزمایش قرار می‌گیرد. نکته مهم آن است که توزیع F برای آزمون معناداری سطوح با وقفه متغیر، در فرم تصحیح خطا آزمایش می‌شود. به علاوه توزیع F مذکور غیراستاندارد است. پسران مقادیر بحرانی مناسب را متناسب با تعداد تخمین زنده‌ها و اینکه مدل شامل عرض از مبدأ و روند است یا خیر محاسبه کردند. آنها دو گروه از مقادیر بحرانی را ارائه کردند؛ یکی بر این اساس که تمام متغیرها پایا هستند و دیگری بر این اساس که همگی ناپایا هستند.

اگر F محاسباتی در خارج از این مرز قرار گیرد، یک تصمیم قطعی بدون نیاز به دانستن اینکه متغیرها I (0) و I (1) باشند گرفته می‌شود. اگر F محاسباتی بالاتر از محدوده بالایی قرار گیرد، فرضیه صفر مبتنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت رد شده و اگر پایین‌تر از محدوده پایینی قرار گیرد، فرضیه صفر مذکور پذیرفته می‌شود. اگر هم F محاسباتی در بین دو محدوده قرار گیرد، نتایج غیرقطعی و غیرقابل استنباط خواهد بود. آماره F به دست آمده حاصل از آزمون والد ۵/۱۵ می‌باشد. از آنجایی که F محاسباتی بالاتر از محدوده بالایی مقدار بحرانی متناظر ارائه شده توسط پسران که ۳/۷۲۵ می‌باشد، بیشتر است، بنابراین وجود رابطه بلندمدت تأیید می‌شود.

ضریب جمله تصحیح خطا نشان می‌دهد در هر دوره چند درصد از عدم تعادل متغیر وابسته به سمت رابطه بلندمدت تعدیل می‌شود. معنادار بودن (-1) ECM در جدول بالا دال بر وجود

1. Pesaran & Shin

رابطه بلندمدت و معنادار بین متغیرهای الگو است و بدین معناست که در هر دوره ۶۹ درصد از عدم تعادل کوتاه‌مدت ضریب جینی برای رسیدن به تعادل بلندمدت تعدیل می‌شود.

۴-۳-۴. نتایج حاصل از برآورد الگوی بلندمدت ARDL

نتایج مربوط به برآورد ضرایب بلندمدت در جدول (۱۴) ارائه شده است:

جدول ۱۴: ضرایب بلندمدت الگوی ARDL متغیرها در اقتصاد ایران

متغیر	ضرایب برآوردی	انحراف معیار	Prob
FDI	۲/۹۴	۰/۰۶	۰/۰۰۰
EX	۰/۹۲	۰/۰۴	۰/۰۰۰
GDP	۱۳/۳۸	۱/۸	۰/۰۰۱
EM	-۰/۲۸	۰/۰۳	۰/۰۰۱
TR	-۰/۶۱	۰/۰۱	۰/۰۰۰
TAX	۰/۸۹	۰/۱۹	۰/۰۰۹

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که از نتایج حاصل از برآورد ضرایب کوتاه‌مدت ARDL مشخص است در کوتاه‌مدت به غیر از مالیات همه متغیرها اثر معناداری بر ضریب جینی دارند و نتایج حاصل از برآورد الگوی بلندمدت بیانگر این است همه متغیرها اثر معناداری بر ضریب جینی دارند.

۴-۴. تحلیل متغیرها

ضریب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هر دو مدل خطی و غیرخطی مثبت و معنادار است؛ یعنی با فرض ثابت بودن سایر شرایط باعث افزایش ضریب جینی می‌شود. همچنین در مدل ARDL ضریب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کوتاه‌مدت و در بلندمدت بر ضریب جینی اثر مثبت و معنادار دارد. تأثیر منفی FDI بر توزیع درآمد دلایل زیادی دارد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ساختار اجتماعی کشور میزبان، شکاف ایجاد می‌کند و نابرابری داخلی را افزایش می‌دهد. طرفداران دیدگاه وابستگی ایده انتقال توسعه را انکار می‌کنند. از آنجا که جهان به یک هسته غنی و یک حاشیه استثمار شده، تقسیم شده است، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌طور آشکار به وسیله هسته غنی انجام می‌شود. به دلیل ایجاد انحرافات ساختاری و سرکوب سیاست‌های مستقل وضعیت کشورهای حاشیه‌ای بدتر می‌شود. تئوریسین‌های وابستگی که مکانیسم نو استعماری (گسترش توسعه نیافتگی) را برجسته کرده‌اند، معتقدند هنگامی اتفاق می‌افتد که نخبگان داخلی

مربوط به بخش صادرات گرا از نفوذ خارجی حمایت می‌کنند و مانع توسعه تولید بومی می‌شوند. در نتیجه به عقیده آنان این فرایند از طریق بدتر کردن توزیع درآمد موجب به عقب راندن و یا حتی ممانعت از فرایند رشد اقتصادی می‌شود.

از طرف دیگر جذب FDI اگر در قالب شرکت‌های چند ملیتی باشد در صورت عدم نظارت و سیاست‌گذاری صحیح می‌تواند منجر به تقویت ساختار دوگانه اقتصادی از طریق افزایش دستمزد کارگران در بخشی از تولید شود. همچنین سبب انحرافات به سمت تولید کالاهای لوکس و گران قیمت که مورد تقاضای بخش ثروتمند جامعه هستند می‌گردد. تولید کالاهای نامناسب و طرح‌هایی که از نظر اجتماعی مطلوب نیستند و همچنین ورود شرکت‌های خارجی به بازار داخل تعادل بازار داخل را بر هم می‌زند و منجر به فشار بر بنگاه‌های داخلی می‌شود و آثار منفی دیگری نظیر غارت منابع طبیعی و وابستگی اقتصادی و تکنیک‌های نامناسب تولیدی (سرمایه بر) را می‌توان از دیگر دلایل تشدید نابرابری درآمدی عنوان کرد که این نتیجه با یافته‌های نانن کمپ (۲۰۱۴)، منصور مشتق (۲۰۱۴)، هالموس (۲۰۱۱) و باسو و جورجیا (۲۰۰۷) نیز همسو است.

ضریب تورم با فرض ثبات سایر شرایط در هر دو گروه از کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر و پایین‌تر از میانگین منفی و معنادار است. به این صورت که با افزایش تورم ضریب جینی کاهش می‌یابد و وضعیت توزیع درآمد بهبود می‌یابد که نتیجه زیر را می‌توان به این صورت توجیه کرد که طبق منحنی فیلیپس انتظار است که در کوتاه‌مدت با افزایش تورم، بیکاری کاهش یابد، با کاهش بیکاری شمار افراد کم‌درآمد کاهش می‌یابد و از این طریق باعث بهبود توزیع درآمد می‌شود و همچنین هنگامی که نرخ تورم افزایش می‌یابد ارزش حقیقی بدهی‌های اسمی کاهش می‌یابد. بنابراین توزیع مجدد درآمد از بستانکاران به بدهکاران صورت می‌گیرد و به عبارت دیگر، بدهکاران از تورم نفع می‌برند؛ زیرا دیونی را پرداخت می‌کنند که قدرت خرید واقعی آنها کاهش یافته است. از آنجا که فقرا معمولاً به‌طور متوسط بدهکار خالص هستند، افزایش تورم از این کانال به‌طور متوسط به نفع فقرا بوده و نابرابری را کاهش می‌دهد (شاکری و همکاران، ۱۳۹۱). این نتیجه با یافته‌های جابری خسروشاهی و همکاران (۱۳۹۰) سازگار است.

ضریب شاخص باز بودن تجاری در هر دو مدل خطی و غیرخطی برای کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین منفی و معنادار است؛ یعنی با ثبات سایر شرایط باز بودن تجاری باعث کاهش ضریب جینی می‌شود و همچنین در مدل ARDL، ضریب باز بودن تجاری در کوتاه‌مدت و در بلندمدت دارای اثر منفی و معنادار بر ضریب جینی بوده است؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت که افزایش تجارت منجر به بهبود توزیع درآمد می‌شود. همان‌طور که در قسمت مبانی نظری مطرح شد تجارت از طریق ورود کالای ارزان‌تر نسبت به داخل، ایجاد فرصت‌های شغلی،

افزایش درآمد و... به کاهش نابرابری درآمدی کمک می‌کند. اثر مثبت تجارت در بهبود توزیع درآمد در مطالعات نجارزاده و مهدوی راسخ (۱۳۸۹) و بابازاده و همکاران (۱۳۸۹) تأیید شده است. تأثیر تجارت بر رفاه و به نوعی کاهش فقر و نابرابری را می‌توان این‌گونه بیان کرد که در صورت تجارت کشور با دنیای خارج قیمت کالاهای قابل مبادله در کشورها تغییر می‌کند. همچنین امکان دسترسی بهتر به کالاها و محصولات جدید فراهم می‌آید. همچنین تجارت بر درآمدهای دولت از محل مالیات‌های تجاری تأثیر می‌گذارد. در صورت آزاد بودن تجارت با پایین بودن قیمت کالاهای وارداتی و رقابت با کالاهای تولید داخل و کاهش سطح عمومی قیمت‌ها درآمدهای واقعی مردم افزایش می‌یابد به خصوص در طبقه‌های پایین درآمدی جامعه بر کاهش نابرابری درآمدی تأثیر می‌گذارد. همچنین افزایش صادرات یک مشوق برای تولید و درآمد بیشتر است و در نتیجه اشتغال و سطح دستمزد بیشتر را به همراه دارد. سیاست‌های دولت در جهت افزایش تجارت گاهی منجر به افزایش درآمد می‌شود. به‌عنوان نمونه دولت با کاهش تعرفه‌های بالا انگیزه فساد و قاچاق را کاهش می‌دهد.

ضریب متغیر رشد تولید ناخالص داخلی برای هر دو مدل خطی و غیرخطی برای کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین مثبت و معنادار است. به عبارت دیگر با فرض ثبات سایر شرایط با افزایش تولید ناخالص داخلی ضریب جینی نیز افزایش می‌یابد؛ یعنی اینکه این کشورها در قسمت صعودی منحنی L قرار دارند. در مسیر توسعه اقتصادی هر کشوری نابرابری درآمدی ابتدا افزایش می‌یابد، تعداد کمی از مردم توانایی انتقال از بخش سنتی به بخش نوین را دارند، به همین علت بین دستمزد بخش سنتی و مدرن اختلاف به وجود می‌آید. که این نتیجه منحنی کوزنتس را تأیید می‌کند. این نتیجه با یافته‌های پیرایی (۱۳۸۵) و مهدوی عادل و رنجبرکی (۱۳۸۴) و سالم و یارمحمدی (۱۳۹۰) سازگار است. در واقع اگر رشد اقتصادی، مناطق محروم را به‌صورت فرعی مورد توجه قرار دهد و فقرا نتوانند به مناطقی که فرصت‌ها در آنجا توسعه می‌یابد مهاجرت کنند، رشد، خود به نابرابری منجر می‌شود. به علاوه در کشورهای در حال توسعه با درآمد پایین‌تر از میانگین، ضریب متغیر رشد تولید ناخالص داخلی برای هر دو مدل خطی و غیرخطی مثبت ولی معنادار نبوده است.

ضریب مالیات در هر دو مدل خطی و غیرخطی در کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین، منفی و معنادار است. در مدل $ARDL$ ، ضریب مالیات در کوتاه‌مدت مثبت و بی‌معنا و در بلندمدت مثبت و معنادار بوده است. به این معنا که با فرض ثبات سایر شرایط با افزایش مالیات ضریب جینی نیز افزایش می‌یابد و باعث بدتر شدن توزیع درآمد می‌شود. مالیات‌های دریافتی بین آحاد جامعه توزیع می‌شود، کالاهای استحقاقی مردم تأمین و آحاد جامعه را برای مشارکت در نظام رقابتی براساس قضیه دوم اقتصاد رفاه آماده می‌کند.

نظام مالیاتی کشورهای مورد مطالعه عامل تأثیرگذاری در بهبود توزیع درآمد و کاهش نابرابری بوده است؛ یعنی درآمدهای مالیاتی طبق مباحث تنوریک علوم اقتصادی و اجتماعی که به عنوان ابزاری جهت بهبود شاخص های توزیع درآمد عنوان شده اند، در اقتصاد این کشورها توانسته موارد مهمی چون آموزش، فرهنگ، بهداشت و افزایش قدرت خرید مردم را ارتقا بخشند.

از طرف دیگر اثر مالیات بر توزیع درآمد بر حسب نوع مالیات، پایه ها و نرخ های مالیاتی متفاوت است. به طوری که مالیات های تنازلی آثار نامناسب، مالیات های تناسبی بی اثر و مالیات های تصاعدی آثار مطلوبی بر توزیع درآمد دارند. زیرا در نرخ های مالیاتی تصاعدی پایه مالیاتی نسبت به مبلغ اضافه شده افزایش می یابد و این مسئله باعث می شود که سهم کمتری از افزایش پایه مالیاتی به پرداخت کننده مالیات برسد. این مسئله در نرخ های مالیاتی تنازلی برعکس می باشد. در نرخ های مالیاتی تنازلی سهم بیشتری برای افراد با پایه مالیاتی بیشتر باقی خواهد ماند که این مسئله منجر به تشدید فاصله درآمدی بین افراد جامعه می شود. از طرفی در اغلب کشورهای در حال توسعه با درآمد پایین تر از میانگین که در مراحل ابتدایی توسعه اقتصادی هستند دولت به طور غیر مستقیم مالیات می گیرد و مالیات های غیر مستقیم به دلیل آنکه اغلب طبیعت تنازلی دارند در نتیجه بار این مالیات بیشتر بر دوش افراد کم درآمد سنگینی می کند (سیفی پور و رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۲).

ضریب مخارج دولتی در کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین و در هر دو مدل خطی و غیر خطی با فرض ثبات سایر شرایط مثبت و معنادار است؛ ولی در کشورهای با درآمد پایین تر از میانگین معناداری محقق نشده است. به علاوه در مدل ARDL، ضریب مخارج دولتی در کوتاه مدت و در بلندمدت مثبت و معنادار بوده است؛ یعنی با افزایش مخارج دولتی ضریب جینی نیز افزایش می یابد. مخارج دولتی می تواند بلافاصله بر منافع تأثیر بگذارد (به طور مثال، بهداشت و خدمات آموزشی) و همچنین می توانند بر توزیع ظرفیت کسب درآمد افراد و خانوار نیز تأثیر بگذارند. اگر مخارج دولت به صورتی باشد که بیشتر شامل افراد ثروتمند شود می تواند باعث افزایش فاصله طبقاتی بیشتر بین افراد فقیر و ثروتمند گردد. مثل اختصاص یارانه به بنزین که بیشتر شامل افراد ثروتمند می شود. بنابراین نابرابری درآمدی را افزایش می دهد.

ضریب مجذور رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین منفی و معنادار است. به عبارت دیگر با فرض ثبات سایر شرایط با افزایش مجذور تولید ناخالص داخلی ضریب جینی کاهش می یابد. طبق نظریه کوزنتس رشد اقتصادی در مراحل اولیه باعث بدتر شدن وضع توزیع درآمد می شود و بعد از عبور از مراحل اولیه باعث بهبود توزیع درآمد می شود؛ یعنی اینکه باید ضریب مجذور رشد اقتصادی منفی باشد و این نتیجه منحنی کوزنتس را

تأیید می‌کند. به علاوه در کشورهای با درآمد پایین‌تر از میانگین، معناداری محقق نشده است که با یافته‌های پژوهش شهباز و اسلام^۱ (۲۰۱۱) و اظهارنظرهای نقادانه پیکتی (۱۳۹۳) در کتاب سرمایه در قرن بیست و یکم نیز همسو است.

ضریب اشتغال در کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین در هر دو مدل خطی و غیرخطی منفی و معنادار است؛ یعنی با فرض ثبات سایر شرایط افزایش اشتغال باعث کاهش ضریب جینی می‌شود و توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد و در مدل ARDL، ضریب اشتغال در کوتاه‌مدت و در بلندمدت اثر منفی و معنادار بر ضریب جینی دارد. از یک طرف در مورد اثر سطح اشتغال بر توزیع درآمد در هر اقتصاد این نکته بدیهی است که هر افزایش در بیکاری یا اشتغال ناقص^۲ از طریق افزایش شمار تعداد افراد کم‌درآمد، به تشدید نابرابری توزیع درآمد کمک می‌کند. این حالت در کشورهای در حال توسعه به دلیل پدیده دوگانگی اقتصاد رخ می‌دهد.

در این اقتصادها بخش سنتی و کشاورزی در مناطق روستایی بهره‌وری اندک دارند. در حالی که بخش مدرن و صنعتی در مناطق شهری گسترده شده است. بهره‌وری بالای کارگران در بنگاه‌های مدرن، در مقایسه با فعالیت‌های سنتی، آنها را به پرداخت مزد و حقوق بالاتر و کسب سود بیشتر قادر می‌کند. از آنجا که بنگاه‌های مدرن در مناطق شهری استقرار دارند، لذا ناهمگونی بین درآمد شهری و روستایی رو به افزایش می‌گذارد. از طرف دیگر تغییرات در توزیع درآمدها (اعم از خودانگیزه یا القایی) می‌تواند به نوبه خود بر اشتغال تأثیر بگذارد. اگر کاهش در نابرابری درآمد، محرک توسعه اشتغال باشد، می‌تواند به کاهش پراکنندگی درآمدی منتهی شود. بدین ترتیب هدف توزیع برابرتر درآمدها با سیاست‌های اشتغال کامل پیوستگی دارد. در هر اقتصاد این نکته بدیهی است که هر افزایش در اشتغال از طریق کاهش شمار تعداد افراد کم‌درآمد، به بهبود توزیع درآمد کمک می‌کند.

۵. نتیجه‌گیری

در دنیای امروز همه کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه سعی می‌کنند تا در عرصه رقابت‌های جهان در حل مشکلاتی مانند فقر، توزیع نامتعادل درآمد، تورم، بیکاری و... از یکدیگر عقب نمانند. موضوع توزیع عادلانه درآمد در کنار موضوع افزایش تولید و دستیابی به رشد و توسعه بالاتر همواره مورد توجه بوده است. به دلیل اینکه انحراف در توزیع درآمد منجر به بروز مشکلات اساسی می‌شود؛ بنابراین دولت‌ها بیشتر به دنبال روش‌هایی بوده‌اند تا بتوانند توزیع بهتر درآمد و ثروت را داشته باشند. از طرفی عوامل مختلفی بر توزیع درآمد مؤثر هستند که دربرگیرنده تولید ناخالص داخلی، تورم، اشتغال، مالیات، مخارج دولتی، تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد.

1. Shahbaz & Islam

2. Under Employment

سرمایه‌گذاری خارجی بر توزیع درآمد کشورها تأثیر می‌گذارد؛ به گونه‌ای که این تأثیرگذاری می‌تواند به صورت‌های مختلف بر بهبود توزیع درآمد و یا نامتعادل کردن آن ظاهر شود و به تبع آن روی رشد اقتصادی کشورها هم تأثیر بگذارد. در کشورهایی که پس‌انداز ملی کمی دارند یکی از بهترین روش‌های تأمین مالی جهت سرمایه‌گذاری، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است که آثار مثبت و منفی بر کشور میزبان دارد.

هدف اصلی این مقاله بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر و پایین‌تر از میانگین طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۴ است که با استفاده از روش پانل پویا صورت گرفته است. همچنین، برای اقتصاد ایران، رابطه بلندمدت میان متغیرها برای دوره زمانی ۱۳۶۰-۱۳۹۴ با استفاده از روش خود توضیح برداری با وقفه‌های توزیعی بررسی شده است که نتایج آن با یافته‌های روش پنل دیتا را هماهنگ است. یافته‌های مقاله بیانگر ارتباط مثبت و معنادار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با ضریب جینی است.

به علاوه در مدل غیرخطی برای کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین، فرضیه کوزنتس تأیید شده ولی برای کشورهای در حال توسعه با درآمد پایین‌تر از میانگین محقق نشده است. متغیرهایی مانند تولید ناخالص داخلی و مخارج دولتی در کشورهای در حال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین با ضریب جینی رابطه مثبت و معناداری دارد. همچنین متغیرهای مالیات، تورم، اشتغال، مجذور تولید ناخالص داخلی و باز بودن تجاری روی ضریب جینی تأثیر منفی و معنادار داشته است.

در این مقاله سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد تأثیر منفی دارد که این یافته‌ها با نتایج حاصل از پژوهش‌های نانن کمپ (۲۰۱۴)، منصور مشتق (۲۰۱۴)، هالموس (۲۰۱۱) و باسو و جورجیا (۲۰۰۷) نیز همسو است. با توجه به این موضوع، دین مبین اسلام راهکارهایی را معرفی می‌کند که در آن، ضمن هدف قرار دادن توزیع عادلانه درآمد، رشد اقتصادی را نیز به‌عنوان معلول آن به‌دست می‌دهد. از دیدگاه اسلام توزیع عادلانه درآمد یکی از عوامل مهم و اساسی در رشد و توسعه اقتصادی جوامع به‌شمار می‌رود و در صورت عدم وجود آن دستیابی به رشد دشوار خواهد بود. لذا می‌توان دریافت که از این منظر عدالت توزیعی بر رشد اقتصادی مقدم است و به نوعی علت آن به‌شمار می‌رود. اسلام نه تنها به توزیع مجدد درآمدهای جاری اهتمام جدی دارد؛ بلکه مقدم بر آن به توزیع منابع اولیه تولید که سرچشمه بسیاری از انحصارات می‌تواند باشد نیز توجه ویژه‌ای دارد. لذا سیاست‌های خود را از دو طریق توزیع مجدد درآمد و توزیع عادلانه منابع اولیه تولید در جامعه اعمال می‌کند. در پایان برخی راهکارهای سیاستی در جهت بهبود توزیع درآمد، وضع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌صورت زیر پیشنهاد می‌شود:

- سرمایه‌گذاری‌ها باید اصولی و در راستای رفع نیازهای کشورها صورت گیرد و بیشترین نفع را برای کشورها به همراه داشته باشد. به عبارت دیگر مسئله مهم، هدایت صحیح سرمایه به سوی بخش‌ها و صنایع نیازمند دارای اولویت است؛
- افزایش تولید ملی و رشد اقتصادی در برخی کشورها برخلاف آنچه از فرضیه کوزنتس انتظار می‌رفت، منجر به توزیع بهتر درآمدها نشده است؛ بنابراین به سیاست‌گذاران از جمله ایران توصیه می‌شود در کنار سیاست‌های رشد اقتصادی، به مسئله توزیع درآمد نیز توجه کنند؛
- با توجه به نتایج این پژوهش که اشتغال باعث بهبود توزیع درآمد می‌شود، توسعه کارآفرینی و توانمندسازی فقرا و اقشار کم‌درآمد را باید مدنظر قرار داد.
- برای پژوهش‌های آتی بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی روی توزیع درآمد در مجموعه دیگری از کشورها و مقایسه تطبیقی آن با تأکید بر ایران پیشنهاد می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. ابونوری، اسماعیل و رضا عباسی قادی (۱۳۸۶)، «برآورد اثر رشد اقتصادی بر فقر در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۳۰، ص ۱۱۱-۱۳۶.
۲. آذربایجان، کریم؛ حسین کریمی و شکوفه ناقلی (۱۳۹۱)، «برآورد تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر جریان‌ات تجاری بخش صنعت در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی»، اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی، ش ۱، ص ۶۹-۹۵.
۳. ابوالفتحی قمی، ابوالفضل (۱۳۷۱)، درآمدی بر شناخت شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر، تهران: مرکز آمار ایران.
۴. بابازاده، محمد؛ صالح قویدل و حسن عموزاده خلیلی (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد با تأکید بر نقش تجارت خارجی»، فصلنامه اقتصاد کاربردی، ش ۲، ص ۱۶۱-۱۸۶.
۵. بختیاری، صادق (۱۳۸۲)، تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک، تهران: وزرات امور اقتصادی، معاونت امور اقتصادی.
۶. پیرایی، قناعتیان (۱۳۸۵)، «اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری درآمد در ایران: اندازه‌گیری شاخص رشد به نفع فقیر»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۲۹، ص ۱۱۳-۱۴۱.
۷. پیکتی، توماس (۱۳۹۳)، سرمایه در قرن بیست و یکم، ترجمه قودجان اصلانی، چاپ اول، تهران: نقد فرهنگ، ص ۱۱۵-۱۳۰.
۸. تشکینی، احمد (۱۳۸۴)، اقتصاد سنجی کاربردی به کمک MICROFIT، تهران: موسسه فرهنگی هنری دیباگران تهران، ص ۱۴۸.
۹. تودارو، مایکل (۱۳۸۳)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، چاپ سیزدهم، تهران: کوهسار، ص ۱۴۲-۱۴۵.
۱۰. سالم، علی اصغر و جواد عرب یارمحمدی (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه توسعه مالی و توزیع درآمد مورد ایران»، مجله روند تحقیقات اقتصادی، ش ۱۹، ص ۱۲۷-۱۵۲.
۱۱. سامتی، مرتضی؛ همایون رنجبر و سپیده اوحدی اصفهانی (۱۳۹۰)، «تحلیل اثر جهانی شدن بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب»، پژوهش‌نامه بازرگانی، ش ۵۹، ص ۱۶۳-۱۸۳.
۱۲. شاکری، عباس؛ اسفندیار جهانگرد و سمیه اقلامی (۱۳۹۱)، «اثر غیر خطی تورم بر نابرابری درآمد در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ش ۴، ص ۲۳-۵۴.

۱۳. جابری خسرو شاهی، نسیم؛ محمدرضا محمودوند ناهیدی و ناهید نوروزی (۱۳۹۰)، «تأثیر توسعه مالی بر نابرابری درآمد در ایران»، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ش ۶، ص ۱۷۴-۲۰۸.
۱۴. جعفری صمیمی، احمد (۱۳۸۴)، اقتصاد بخش عمومی (۱)، چاپ هفتم، تهران: سمت، ص ۱۲۳-۱۲۴.
۱۵. روزبهان، محمود (۱۳۸۷)، مبانی توسعه اقتصادی، چاپ دوازدهم، تهران: تابان، ص ۱۷۰-۱۷۲.
۱۶. ذوالقدر، مالک (۱۳۸۸)، «مبانی نظری سرمایه‌گذاری»، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ص ۳۹-۵۸.
۱۷. سیفی‌پور، رویا و قاسم رضایی (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در ایران با تأکید بر مالیات‌ها»، پژوهشنامه مالیات، ش ۱۰، ص ۱۲۱-۱۴۲.
۱۸. صابونچی، محمدحسین و علی رشیدزاده (۱۳۹۳)، «اثر جهانی شدن و سرمایه‌گذاری خارجی بر توزیع درآمد در ایران»، مجله‌های اقتصادی، ش ۱ و ۲، ص ۱۱۷-۱۳۴.
۱۹. موسوی، سید نعمت‌الله؛ سیدمهریار صدرالاشرفی و فرزانه طاهری (۱۳۸۸)، «اثر جهانی شدن بر نابرابری درآمد در ایران»، اقتصاد کشاورزی، ش ۲، ص ۱۸۵-۲۰۷.
۲۰. مهدوی عادل، محمدحسین و علی رنجبرکی (۱۳۸۴)، «بررسی رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران»، پژوهشنامه اقتصادی، ش ۱۸، ص ۱۱۳-۱۳۸.
۲۱. ندری، کامران و وهاب قلیچ (۱۳۸۸)، «جستاری پیرامون معیارها و چارچوب نظام توزیع درآمد در اقتصاد اسلامی»، مطالعات اقتصاد اسلامی، ش ۱، ص ۱۵۵-۱۸۲.
۲۲. ندری، کامران و وهاب قلیچ (۱۳۸۹)، «نقش حاکمیت دولت اسلامی در بهبود توزیع درآمد»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۳۵، ص ۵-۳۲.
۲۳. نجارزاده، رضا و الهام مهدوی راسخ (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد در کشورهای عضو گروه دی هشت»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش ۵۴، ص ۸۷-۱۰۹.
24. Basu, P., Guariglia, A. (2007), "Foreign Direct Investment, inequality and growth", *Journal of Macroeconomics*, vol. 29 (4), pp. 824-839.
25. Bhandari, B. (2006), "Does Foreign Direct Investment Affect U.S. Income Inequality?" *Working Paper*, <http://falcon.fsc.edu/bbhandari>.
26. Choi, C. (2006), "Does foreign direct investment affect domestic income inequality?", *Applied Economics Letters*, Vol. 13, pp. 811-814.

27. Franco, C. & Gerussi, E. (2010), "Trade, FDI and income inequality: Empirical evidence from transition countries", *Dipartimento di Scienze Economiche*, No. 15.
28. Georgantopoulos, A, & Tsamis, A. (2011), "The Impact of Globalization on Income Distribution: The Case of Hungary", *Research Journal of International Studies*, Vol. 21, p.17.
29. Halmos, K. (2011), "The Effect of FDI, Exports and GDP on Income Inequality in 15 Eastern European Countries", *Acta Polytechnica Hungarica*, Vol. 8(1), pp. 123–136.
30. Herzer, D & Nunnenkamp, P. (2011), "FDI and Income Inequality: Evidence from Europe", *Kiel Institute for the World Economy*, No. 1675.
31. Mansoor, M. & Muhammad, N. (2014), "Impact of FDI on Income Distribution in Selected SAARC Countries", *Journal of Applied Environmental and Biological Sciences*, Vol. 4 (7S), pp. 1–10Tsal.
32. Nunnenkamp, P, (2014), "FDI and income inequality – evidence from Latin American economies", *Review of Development Economics*, forthcoming.
33. Pesaran, M.H, Shin, Y. and Smith (1996), "Testing for the Existence of a Long-Run Relationship", *Departemen Applied Economics (DAE) Working Paper*, Third Revision, No 9907, Cambridge University.
34. Rutherford, D. (2007), *Economics*, USA & Canada, Routledge, First published, pp. 112.
35. Shahbaz, M. and Islam, F. (2011), "Financial Development and Income Distribution in Pakistan: an application of ARDL approach", *Journal of Economic Development*, No. 36 (1), pp. 35–58.
36. Tsal, P. (1995), "Foreign Direct Investment and Income Inequality: Further Evedence", *World Development*, Vol.23 (3), pp 469–483.
37. Ucal, M, Bilgin, M and Hung, A, A, (2014), "Income Inequality and FDI: Evidence with Turkish Data", *Economics Discussion Papers*, University of Otago, (1407).